

بررسی موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی موجود در محلات پیراشهر زابل (مطالعه موردی: محلات اسلام آباد و حسین آباد)

سیروس قنبری^۱

اعظم بردبار گلوی^۲

چکیده

در طی سال‌های اخیر، نقش و اهمیت بنگاه‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است این بنگاه‌ها علاوه بر رفع مشکل بیکاری و ایجاد اشتغال، به افزایش تولید و صادرات و نیز به توزیع عادلانه منابع به ویژه در مناطق محروم، کمک می‌کنند. ارزیابی وضعیت بنگاه‌ها نشان می‌دهد که آنها در ایفای نقش راهبردی خود در اقتصاد کشور و نیز در بازارهای جهانی با مشکل مواجه هستند. با این نگرش، هدف مقاله حاضر بررسی موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی موجود در محلات اسلام آباد و حسین آباد شهر زابل می‌باشد. روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی منابع اسنادی و مطالعات پیمایشی بوده است. جامعه آماری تحقیق، بنگاه‌های اقتصادی مستقر در محلات اسلام آباد و حسین آباد به تعداد (۲۲۶ بنگاه) می‌باشد که با توجه به تعداد بنگاه‌های اقتصادی موجود در محلات فوق، تعداد (۱۴۲ بنگاه) به عنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه گردید. برای برآورد حجم نمونه در هر محله از قاعده تسهیم به نسبت در هر محله استفاده گردید. از این تعداد ۸۸ بنگاه در محله اسلام آباد و ۵۴ بنگاه در محله نمونه انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل‌های وزن دهی تصمیم‌گیری چند شاخصه آنتروپی شانون و SAW استفاده گردید. نتایج تحقیق مؤید آن است که از بین موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی موجود در محلات پیراشهر زابل، موانع سیاسی (عدم وجود متولی واحد در زمینه توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، مشکلات جهت صدور کالا به داخل و خارج از کشور)، با ۰/۲۴۶ بیشترین وزن و موانع زیرساختی (ضعف زیر ساخت‌های محلی، قرار گرفتن در مکان نامناسب، فقدان پهنای باند مناسب برای اینترنت) با وزن ۰/۱۸۷ کمترین وزن را بدست آورده است.

واژگان کلیدی: بنگاه‌های اقتصادی، موانع، اسلام آباد و حسین آباد، پیراشهر زابل.

مقدمه

از اواخر قرن بیستم تاکنون الگوهای متفاوتی از رشد و توسعه صنعتی در کشورهای جهان تجربه شده است. یکی از این الگوها، بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌باشد. نگاهی به نظام اقتصادی، در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا بیانگر آن است که ایجاد و همچنین حمایت از این بنگاه‌ها یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی این کشورها است. این بنگاه‌های اقتصادی علی‌رغم آنکه به سرمایه‌گذاری اندکی نیاز دارند (مرادی و طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱)، به رشد اقتصادی و همچنین افزایش موفقیت در جوامع از طریق تولید کالاها و خدمات بیشتر و در نتیجه ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کمک می‌کنند (Saber & Hamdan, 2019: 3) و محرک نظام‌های اقتصادی در حرکت به سوی نظام اقتصادی دانش مدار شناخته شده‌اند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴). به همین دلیل حمایت در راستای ایجاد، رشد و گسترش بنگاه‌های اقتصادی یکی از مهمترین اولویت‌ها برای توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و رشد

۱. گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

Email : ghanbari@gep.usb.ac.ir - Tel: 09133022895

۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

صادرات در بسیاری از کشورها و از جمله ایران است با توجه به نقش مهم بنگاه‌های اقتصادی می‌توان گفت که دولت، یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های توسعه‌ای خود را مشروط به گسترش این بنگاه‌ها با هدف دستیابی به توزیع عادلانه منابع به ویژه در مناطق محروم، افزایش تولید و صادرات غیر نفتی، تقویت تحرک اقتصادی، افزایش کارایی تسهیلات بانکی، تقویت کارآفرینی، اشتغال زایی و افزایش فرصت‌های شغلی جدید قرار داده است (ادراکی، ۱۳۸۶: ۲۶). گفتنی است اگر این رشد اقتصادی همراه با نوآوری‌های تکنولوژیکی باشد باعث افزایش بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی و نیز رفاه مردم می‌شود (Surya et al, 2020: 1). ارزیابی اولیه وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور نشان می‌دهد که این بنگاه‌ها علیرغم کمک دولت، در ایفای نقش راهبردی مورد انتظار خود در اقتصاد کشور، رقابت با بنگاه‌های مشابه خارجی و صنایع بزرگ داخلی و نیز کسب مزیت رقابتی که لازمه حضور جدی در بازارهای جهانی است، با مشکل مواجه هستند. در واقع طی چند سال گذشته نقش و جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور رو به کاهش بوده است و آنها توانسته‌اند نسبت به بنگاه‌ها و واحدهای بزرگ از مزیت نسبی در توسعه صنعتی و اقتصادی کشور برخوردار باشند (رضایی و صفا، ۱۳۹۴: ۶۸). به طوری که براساس آمار موجود، حدود ۲۳ درصد از واحدهای کوچک، در سال اول و تقریباً ۴۲ درصد در پایان سال پنجم از شروع فعالیت (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۲)، به دلایل گوناگون محیط خارجی یا داخلی کسب و کار (داداش پور و سخندان، ۱۳۹۵: ۶۹) با شکست مواجه شده و ناچار به توقف فعالیت شده‌اند. این در حالی است که از سال ۱۳۸۴ اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک اقتصادی با عنوان تسهیلات زودبازده، با هدف اشتغال زایی پایدار، انجام شده و براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاکنون این برنامه موفق نبوده و با شکست مواجه شده است (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۲). ارزیابی‌ها حاکی از آن است که بنگاه‌های اقتصادی محلات پیراشهر زابل (اسلام آباد و حسین آباد) نیز به دلیل وجود موانع و مشکلاتی مانند: پرداخت هزینه‌های بالا جهت دریافت پروانه کسب و کار، عدم توانایی مالی برای تامین دستمزد نیروی کار و تامین هزینه مواد اولیه، پرداخت اجاره بهای ملک، نبود زیر ساخت‌های مناسب در محلات فوق، کمبود بازار تقاضا، کاهش توان خرید مشتریان و نیز اوضاع نابسامان و نامطلوب اقتصاد کشور و... از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشند که این امر باعث شده صاحبان بنگاه‌ها میل و انگیزه خود را در جهت توسعه کسب و کار و حتی ادامه‌ی فعالیت از دست بدهند زیرا نمی‌توانند در راستای اهداف برنامه ریزی شده خود به ویژه افزایش تولید و فروش محصولاتشان و نیز ارتقاء فرصت‌های شغلی جدید حرکت نمایند. و از اثر بخشی مناسب و عملکرد قابل توجیهی برخوردار باشند. با توجه به اهمیت توسعه بنگاه‌های اقتصادی شهر زابل به واسطه وجود شرایط ویژه حاکم بر آن (خشکسالی، بسته شدن مرز و به تبع آن کم رنگ شدن مراودات مرزی با کشور افغانستان و نیز وزش بادهای ۱۲۰ روزه که با توجه به خشک بودن بستر رودخانه هیرمند زمینه ایجاد طوفان‌های شن را فراهم کرده) و همچنین نرخ بالای بیکاری در این دو محله ۳۶۸ درصد اسلام آباد، ۳۰ درصد حسین آباد (نتایج حاصل از تمام شماری دفتر تسهیلگری و توسعه محلی اسلام آباد و حسین آباد) به نظر می‌رسد یکی از مشکلاتی که افراد ساکن در این محلات با آن روبرو است، بیکاری است و از سوی دیگر یکی از مزیت‌های بنگاه‌های اقتصادی، توانایی آنها در اشتغال زایی است به دلیل نیاز کم این صنایع به سرمایه گذاری های کلان و نیروی متخصص می‌باشد (بنابر نتایج حاصل از تمام شماری دفتر تسهیلگری و توسعه محلی اسلام آباد و حسین آباد، جمعیتی معادل ۳۳۳ نفر در این بنگاه‌ها مشغول به کار هستند). به نظر می‌رسد سرمایه گذاری در این نوع بنگاه‌ها یکی از راه حل‌های معضل بیکاری باشد شایان ذکر است برطرف نشدن موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند منجر به بیکار شدن نیروی کار شاغل در این بنگاه‌ها، فقر و نیز افزایش بزهکاری در این محلات شود و زمینه مهاجرت جمعیت فعال را از شهر فراهم آورد. توسعه بنگاه‌های کوچک در شرایط فعلی که بنگاه‌های بزرگ با انواع تحریم‌ها روبرو هستند می‌تواند زمینه را برای نگهداشت جمعیت در محلات فوق فراهم آورد. با توجه به مطالب ذکر شده هدف مقاله حاضر بررسی موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی موجود در محلات اسلام آباد و حسین آباد شهر زابل می‌باشد با توجه به اینکه، تاکنون در ارتباط با موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی موجود در محلات پیراشهر زابل تحقیقی مشاهده نشده است و تحقیقات مشاهده شده به بررسی جنبه‌های دیگر موضوع پرداخته‌اند از جمله ملاحظاتی و همکارانش (۱۳۹۴) به تعیین میزان موفقیت بنگاه‌های اقتصادی زود بازده بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل پرداخته‌اند و پژوهش حاضر، در نوع خود دارای اهمیتی در خور توجه خواهد بود. براساس مطالب اشاره شده در بالا پرسش اساسی این تحقیق این



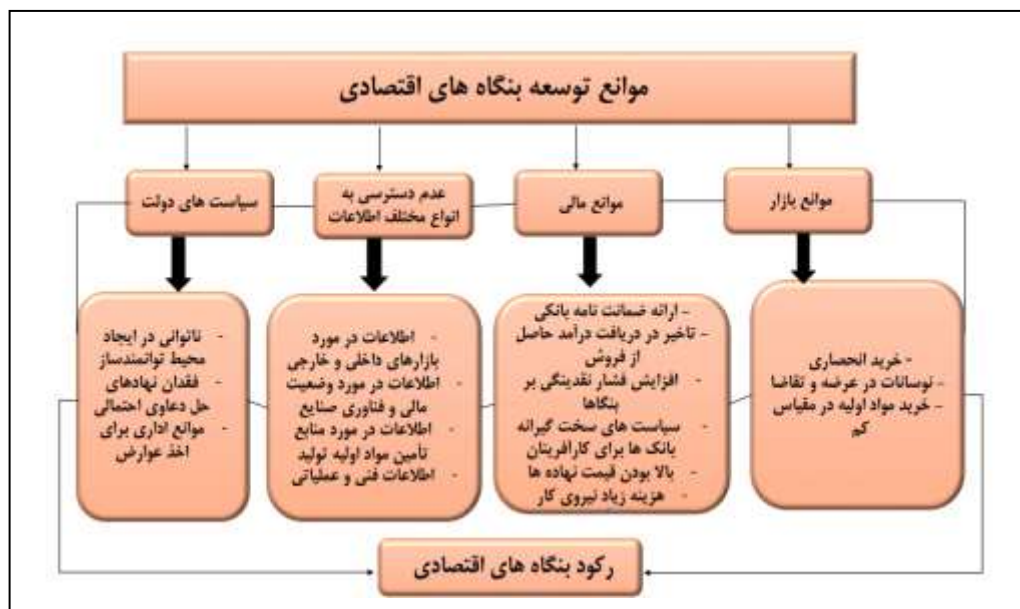
است که چه عواملی از توسعه بنگاههای اقتصادی در محلات پیراشهری زابل (اسلام آباد و حسین آباد) ممانعت کرده و آنان را به رکود کشانده است؟

مبانی نظری

تاکنون تعریف واحدی از بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط ارائه نشده و تعاریف به کار گرفته شده در کشورهای مختلف بسیار متنوع بوده است. این بنگاهها در هر کشور بر مبنای وضعیت اقتصادی و میزان توسعه اقتصادی آن شکل می گیرد، اما از عوامل مشترکی که در همه تعاریف وجود دارند می توان به تعداد کارکنان، حجم سرمایه، حجم تولید، و نوع تکنولوژی تولیدات اشاره کرد. (Levy et al., 1987: 16). امروزه صنایع کوچک و متوسط از جنبه های مختلف اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش آفرینی هستند و در بسیاری از کشورها این واحدها تامین کنندگان اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری های جدید هستند و از موثرترین عوامل در رشد و توسعه سیستم های اقتصادی و اجتماعی هر کشور محسوب می شوند (رضایی و پاکروان، ۱۳۹۶: ۲). در این زمینه جون رایبسون استفاده از صنایع کوچک و متوسط را برای کاهش بیکاری و بیکاری پنهان پیشنهاد می کند. گورنار میردال نیز اظهار می دارد که توسعه صنعتی و گسترش صنایع کوچک و متوسط همراه با افزایش جمعیت فعال در مشاغل صنعتی، می تواند منجر به رشد درآمد سرانه ملی شود (مهدیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵). در ایران اهمیت بنگاه های کوچک و متوسط را می توان از دو بعد کمی و کیفی بررسی کرد. از بعد کمی، واحدهای کوچک و متوسط درصد بسیار زیادی از شرکتهای موجود در کشور ما و نیز در جهان را تشکیل می دهند و تعداد افراد شاغل در آنها قابل توجه است. همچنین ارزش افزوده ی آنها در کشورهای مختلف، چیزی بین یک سوم تا نیمی از ارزش افزوده کل کشور را شامل می شود. از بعد کیفی، این واحدها می توانند بخش خصوصی را به سرمایه گذاری ها تشویق کنند و به عنوان ابزاری خوب در جهت خصوصی سازی در نظر گرفته شوند و به خاطر کوچک بودن، قدرت ابتکار و خلاقیت بیشتری داشته باشند (بیدختی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). چنانچه اکس و آدرش می گویند از آنجا که صنایع بزرگ به سبب ساختار خاص خود، انعطاف لازم را در جوابگویی به تنوع طلبی مصرف کنندگان ندارند، زمینه رشد صنایع کوچک، بیش از پیش، فراهم شده است. در جایی دیگر پن رز (۱۹۵۹) می گوید در شرایط شکوفایی و رونق اقتصادی، رشد برای صنایع کوچک و متوسط، امکان پذیر و راحت تر از توسعه صنایع بزرگ است (مهدیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵). با توجه به این که یکی از اولویتهای شناسایی شده توسط کمیسیون اروپا، حمایت از شرکتهای خرد، کوچک و متوسط به منظور تحریک رشد اقتصادی، ایجاد مشاغل جدید و همچنین ارتقای انسجام اقتصادی و اجتماعی است این بنگاه ها می توانند پایه ای محکم برای رشد اقتصادی را فراهم کنند (Samitowska, 2011: 43) و مسیر برونرفت از بحران توسعه را هموار نمایند (بهرامی، ۱۳۹۸: ۸۳). اما شواهد نشان می دهد که در سراسر جهان این بنگاهها به منظور بقاء و توسعه خود با محدودیتهای جدی روبرو هستند (Wu & Xub, 2020: 3). در ایران نیز بنگاههای اقتصادی برای توسعه خود با موانعی مواجه هستند که می توان آنها را به شرح ذیل دانست: ۱- موانع بازار مثل وجود خریدهای انحصاری، نوسانات در عرضه و تقاضا، خرید مواد اولیه در مقیاس های کم که به افزایش قیمت ها منجر می شود و ... ۲- موانع مالی مانند، مشکلات مربوط به ارائه ضمانت نامه های بانکی، تأخیر در دریافت درآمد حاصل از فروش محصولات، افزایش فشار نقدینگی بر بنگاه ها (رضایی و پاکروان، ۱۳۹۶: ۳)، نبودن سرمایه کافی و سیاست سختگیرانه بانک ها برای کارآفرینان مانند عدم اعطای اعتبارات از روی میل و رغبت به این افراد (Samitowska, 2011: 46) بالا بودن قیمت نهادهای، هزینه زیاد نیروی کار و ... (Tambunan, 2015: 32) ۳- عدم دسترسی به انواع مختلف اطلاعات از جمله: اطلاعات بازاریابی در مورد بازارهای داخلی و خارجی، اطلاعات در مورد وضعیت مالی و فناوری صنایع کوچک و متوسط برای کمک به سرمایه گذاران در انتخاب کسب و کارهای مناسب در جهت سرمایه گذاری، اطلاعات فنی و عملیاتی، اطلاعات در مورد منابع تأمین مواد اولیه تولید است در این زمینه تتو و چونگ (۲۰۰۸)، بر این عقیده هستند که عدم دسترسی به اعتبار، عدم موفقیت در دسترسی به کسب و کارهای رسمی و شبکه اجتماعی از دیگر موانع عمده توسعه هستند (Teoh & Chong, 2008: 35) ۴- سیاست های دولت مانند: ناتوانی در ایجاد محیط توانمندساز برای بنگاه های کوچک و متوسط، موانع اداری برای اخذ عوارض و فقدان نهادهای حل دعاوی احتمالی و ... (آزادی و علیشائی، ۱۳۹۴: ۸). با توجه به مسائل و مشکلاتی که این بنگاه ها با آن روبرو هستند، لازم است حمایت های گوناگونی از این بنگاه ها به عمل آید تا راندمان آنها افزایش یافته و شاهد رشد و شکوفایی و توسعه آنها باشیم (ادراکی، ۱۳۸۶: ۲۹). یکی

از محبوب‌ترین مدل‌های در زمینه توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، نظریه الگوی توسعه خوشه‌یی است که به کرات از زبان دولتمردان اعتدالی بخش تعاون به کار گرفته می‌شود. این خوشه‌ها توانسته‌اند موجبات رشد اقتصادی را در بسترهای جغرافیایی خود فراهم آورند (آزادی و علیشائی، ۱۳۹۴: ۸) چنانچه پرتتر (۱۹۸۵) معتقد است که خوشه‌های صنعتی، بهره‌وری و نوآوری را تا سطوح بالایی افزایش می‌دهند (Porter, 1985: 96). هر خوشه صنعتی متشکل از تعدادی از صنایع کوچک و انواع شرکت‌های خدمات مالی، مشاوره‌یی و... است (ادراکی، ۱۳۸۶: ۲۹). این صنایع با ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم و همکاری‌های سیستماتیک با یکدیگر، ضمن دستیابی به شاخص‌های تولید انبوه، از مزیت‌های صنایع کوچک همچون نوآوری و تنوع نیز برخوردار می‌شوند. بنگاه‌های کوچک اقتصادی ایران در قالب تشکیل تعاونی‌های خوشه‌یی می‌توانند ظرفیت‌های خرد اقتصادی را در قالب یک پتانسیل جامع تر به کار گیرند (آزادی و علیشائی، ۱۳۹۴: ۸).

شکل (۱) موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی محلات اسلام آباد و حسین آباد را نشان می‌دهد.



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان

با مطالعه و کنکاش در متون علمی به‌خصوص گزارش‌ها، تحقیقات و پروژه‌های انجام شده در خصوص بنگاه‌های اقتصادی به برخی پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر روبرو می‌شویم که در ادامه بحث به مهمترین آنها اشاره می‌گردد. رضایی و پاکروان (۱۳۹۶)، به شناسایی و اولویت بندی موانع موجود در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط پرداخته‌اند. هدف تحقیق شناسایی و اولویت بندی موانع موجود در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط است. روش تحقیق از نوع پیمایشی - توصیفی است. جامعه آماری تحقیق مدیران، کارمندان و مسئولین شرکت‌های کوچک و متوسط صنعتی مستقر در استان هستند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون فریدمن و کای دو استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که هر چهار مانع پیشنهادی در مدل پژوهش در توسعه و پیشرفت شرکت‌های کوچک و متوسط استان سمنان دخیل بوده و موانع بازار در اولویت پاسخ قرار دارد. شهرستانی (۱۳۹۷)، به بررسی و رتبه‌بندی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط دانش محور (SME) پرداخته است. هدف تحقیق شناسایی، تاثیر گذاری و اولویت بندی چالش‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط عضو پارک علم و فناوری خراسان رضوی است. به همین منظور، پس از تایید روایی و پایایی پرسشنامه مشتمل بر چالش‌های دولتی، اقتصادی و درون بنگاهی رتبه بندی متغیرها توسط آزمون فریدمن انجام شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیر



چالش های دولتی بعنوان مهمترین چالش و متغیر چالش های اقتصادی و درون بنگاهی در رتبه های بعدی قرار دارند. بیدختی و زرگر (۱۳۹۰)، به بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه های کوچک و متوسط (SME) و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه ها پرداخته است. هدف از این تحقیق شناسایی مهمترین موانع موجود در توسعه بنگاه های کوچک و متوسط صنعتی و ارائه چارچوبی برای حمایت از این بنگاه ها پرداخته است. در این راستا بر اساس مطالعات کتابخانه ای، تجربی و نتایج مصاحبه های به عمل آمده با مسئولین و کارشناسان دستگاه های اجرایی ذیربط و SME ها، مهمترین موانع و مشکلات بنگاه های کوچک و متوسط با استفاده از ابزار پرسشنامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله نشان داد که بنگاه های کوچک و متوسط با آسیب ها و مشکلات درونی و بیرونی متعددی مواجه می باشند. همچنین تسهیلات و حمایت های مالی و غیرمالی بعمل آمده از بنگاه های کوچک و متوسط در چهار حوزه مالی، فنی، بازاریابی، و مدیریتی ناکافی بوده و نتوانسته است راهگشای مشکلات این دسته از بنگاه ها باشد. کیانپور و تولایی (۱۳۹۲)، پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش بنگاه های کوچک و متوسط مقیاس در توسعه فعالیت های اقتصادی کشور مالزی انجام داده اند هدف این پژوهش شناسایی بنگاه های کوچک و متوسط صنایع تولیدی با رشد سریع و نیز تعیین سهم آنها در اقتصاد مالزی است. نتایج نشان داد این شرکت ها نقش مهمی را در توسعه اقتصاد مالزی ایفا می کنند. این شرکت ها ۹۳/۸ درصد از شرکت های فعال در بخش صنعت، ۷۲/۳ درصد از کل تولیدات کارخانجات، ۲۵/۸ درصد از ارزش افزوده تولید، ۲۷/۶ درصد از دارایی های ثابت و ۳۸/۹ درصد از استخدام نیروی کار این کشور را به خود اختصاص داده اند. سامیتووسکا (۲۰۱۱)، به بررسی موانع توسعه کارآفرینی بنگاه های خرد، کوچک و متوسط در لهستان پرداخته است. هدف این مقاله ارائه عملکرد و توسعه بنگاه های خرد، کوچک و متوسط و اهمیت آنها برای اقتصاد لهستان است. این مقاله مهم ترین موانع برای مدیریت یک کسب و کار را که کارآفرینان با آن مواجه می شوند مورد بحث قرار داده است. نتایج نشان داد که عدم حمایت کافی دولت، حمایت محدود موسسات از کسب و کار و مدیریت ناکارآمد منابع مالی شکاف رقابتی بین شرکت های لهستانی و خارجی را گسترش داده است. هرنیتا و همکاران (۲۰۲۱)، مقاله ای تحت عنوان پایداری مشاغل اقتصادی و تقویت ظرفیت منابع انسانی بر اساس افزایش بهره وری شرکت های کوچک و متوسط (SMEs) در شهر ماکاسار، اندونزی انجام داده اند هدف این مطالعه تجزیه و تحلیل ۱- تقویت ظرفیت منابع انسانی (HR) شرکت های کوچک و متوسط برای کار به عنوان عامل تعیین کننده افزایش بهره وری شرکت های کوچک و متوسط (SMEs) و جذب نیروی کار است. ۲- تأثیر تقویت ظرفیت منابع انسانی (HR)، بهره وری کسب و کار، استفاده از فناوری و تنوع کسب و کار بر پایداری شرکت های کوچک و متوسط (SMEs). ۳- بهینه سازی نقش دولت در حمایت از توسعه کسب و کار، افزایش بهره وری، ثبات کسب و کار و پایداری شرکت های کوچک و متوسط (SMEs) است. داده ها از طریق مشاهده، مصاحبه عمیق، نظرسنجی و مستندسازی جمع آوری شده است. تحلیل کمی در این پژوهش از تحلیل های توصیفی کمی، همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده می کند. نتایج نشان داد که تقویت ظرفیت نیروی انسانی همراه با استفاده از فناوری و به دنبال آن تنوع بخشی به کسب و کار، سهم مثبتی در افزایش بهره وری بنگاه های کوچک و متوسط (SMEs) داشته است. سوریا و همکاران (۲۰۲۱) مقاله ای تحت عنوان رشد اقتصادی، افزایش بهره وری بنگاه های کوچک و متوسط با نوآوری باز انجام داده اند هدف این مطالعه تحلیل چگونگی عملکرد رشد اقتصادی به عنوان عامل تعیین کننده افزایش بهره وری شرکت های کوچک و متوسط است. روش تحقیق ترکیبی از تحقیقات کمی و کیفی است و داده ها از طریق مشاهده، مصاحبه عمیق، نظرسنجی و مستندسازی به دست آمدند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که رشد اقتصادی همراه با نوآوری فن آوری باعث افزایش بهره وری بنگاه های اقتصادی و افزایش رفاه مردم می شود. حریاتی و همکاران (۲۰۲۰)، مقاله ای تحت عنوان توسعه شرکت های کوچک و خرد مبتنی بر نوآوری و توسعه پایدار زیست محیطی در غرب سوماترا انجام داده اند. هدف این تحقیق این است که آیا توسعه نوآوری می تواند بر پایداری محیطی در عملکرد شرکت های کوچک خرد پایدار تأثیر بگذارد. در این پژوهش از روش تحلیل مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Amos ۲.۲ بر روی نمونه ای متشکل از ۱۹۰ نفر از پاسخ دهندگان استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل نشان دهنده آن است که نوآوری محصول، فرآیند و بازاریابی تأثیر مثبت قابل توجهی بر توسعه عملکرد SME پایدار دارد مشابه مقاله فوق با دیگر تحقیقات انجام شده در این است که در رابطه با موانع توسعه بنگاه های اقتصادی تحقیقاتی در سطح کشور و نیز شهر زابل انجام شده است اما تمایز مقاله فوق با تحقیقات حاضر به لحاظ

موضوعی در این است که تاکنون در رابطه با موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی مناطق پیراشهری زابل، مطالعه‌ای مشاهده نشده است. از لحاظ جامعه آماری نیز نوآوری رساله فوق در این است که به بررسی دو منطقه پیراشهری زابل پرداخته است.

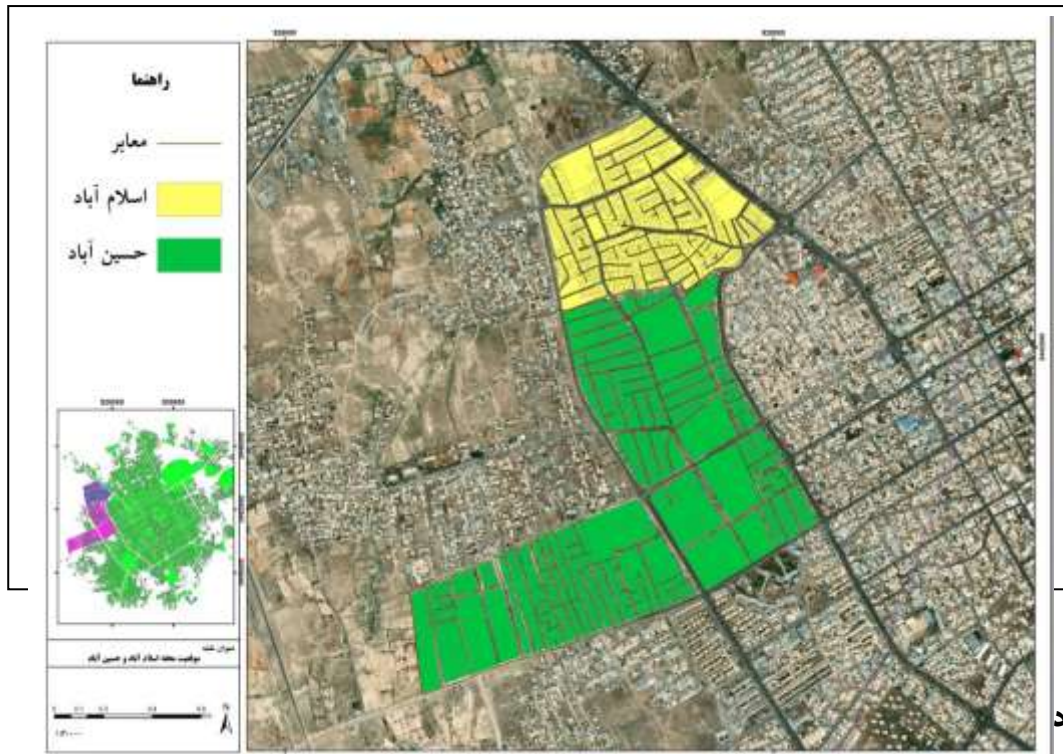
داده و روشها

تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، میدانی و در نهایت به لحاظ قابلیت تعمیم یافته‌ها، از نوع پیمایشی محسوب می‌شود جامعه آماری این تحقیق صاحبان بنگاه‌های اقتصادی در محلات اسلام آباد و حسین آباد شهر زابل (۲۲۶ بنگاه) است که در حال حاضر در محلات فوق مشغول به فعالیت می‌باشند شکل (۲) سپس با توجه به تعداد بنگاه‌های اقتصادی موجود در محلات فوق تعداد (۱۴۲) بنگاه‌ها، به عنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵ درصد، به دست آمد، برای برآورد حجم نمونه در هر محله از قاعده تسهیم به نسبت در هر محله استفاده گردید. که از این تعداد ۸۸ بنگاه اقتصادی در محله اسلام آباد و ۵۴ بنگاه در محله حسین آباد به عنوان نمونه انتخاب گردید. در وهله بعد، با مراجعه به چارچوب نمونه، تعداد پاسخگویان مورد نظر در هر یک از طبقات به صورت تصادفی انتخاب شده و سپس داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری شد. ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها جهت پاسخ به پرسش‌های تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود که از سه بخش اصلی مشخصه‌های فردی پاسخگویان، مشخصات عمومی بنگاه‌های کوچک و متوسط و بررسی موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی از دید پاسخگویان به وسیله طیف لیکرت تشکیل شده بود. روایی پرسشنامه با نظر پانل متخصصان در زمینه موضوع مورد پژوهش مورد تایید قرار گرفت و برای تعیین پایایی ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه یعنی "موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی"، ۰/۷۱ بدست آمده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌های وزن دهی تصمیم‌گیری چند شاخصه آنتروپی شانون و saw استفاده گردید.

جدول (۱). شاخص‌های مورد مطالعه برای تعیین سطح توسعه بنگاه‌های محلات اسلام آباد و حسین آباد

معیار	زیر معیار
موانع - قانونی	عدم ثبات لازم در مقررات، ضوابط و سیاست‌های ارزی و تجاری، عدم اعمال بموقع سیاست‌های تشویقی دولت از قبیل معافیت مالیاتی، جوایز صادراتی (معافیت از پرداخت عوارض داخلی و...، کافی نبودن تسهیلات و حمایت‌های مالی و غیرمالی بعمل آمده از بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط دولت، وجود موانع اداری و قانونی برای دریافت تسهیلات، عدم تعیین بانک‌های تخصصی توسط دولت برای پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های کوچک، عدم وحدت رویه میان بانک‌ها در ارائه تسهیلات به بنگاه‌ها، وجود قوانین متعدد و بعضاً متناقض در کشور
موانع سیاسی	عدم وجود متولی واحد در زمینه توسعه بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط، مشکلات جهت صدور کالا به داخل و خارج از کشور
موانع - زیر ساختی	ضعف زیر ساخت‌های محلی (اسفالت نامناسب و...)، قرار گرفتن در مکان نامناسب (حاشیه شهر)، فقدان پهنای باند مناسب برای اینترنت
موانع مهارتی - آموزشی	عدم مهارت نیروی کار، پایین بودن سطح تحصیلات در نیروی کار، عدم تمایل به دریافت مشاوره بازاریابی، ضعف در دانش اقتصادی، مالی و مدیریتی
موانع - مالی و هزینه‌ای	عدم تناسب سرمایه و نیروی کار، نوسان در قیمت مواد اولیه، خرده‌فروشی محصولات، تحریم تجاری ایران، بالا بودن نرخ تورم در کشور، مشکلات مالی بنگاه‌ها (اجاره بها، هزینه آب و برق، اینترنت، مالیات، بیمه، تامین نهاده‌ها)، کاهش نقدینگی، بالا بودن نرخ بهره بانکی

منبع: نگارندگان، حاصل مطالعات میدانی و گفتگو با صاحبان بنگاه‌ها و نیز مصاحبه با کارشناس اقتصادی دفتر تسهیلاتی اسلام آباد و حسین آباد



تجزیه و تحلیل د

نتایج تحقیق نشان داد که در مجموع ۱۱۱۱ بنگاه به عنوان نمونه انتخاب شده است. مالکیت ۱۱۱۱ بنگاه خصوصی، ۱۱۱۱ بنگاه تعاونی و ۳ بنگاه مالکیت عمومی دارد. همچنین از مجموع بنگاه‌های فوق ۶۶ بنگاه دارای مجوز فعالیت و ۷۶ بنگاه بدون مجوز فعالیت می‌کنند. توزیع بنگاه‌های اقتصادی براساس نحوه مدیریت نشان دهنده آن است که ۱۳۸ بنگاه مالکیت خصوصی دارند و ۴ بنگاه تعاونی هستند. از نظر وضعیت مالکیت ساختمان، صاحبان ۸۳ بنگاه در ملک شخصی خود فعالیت دارند و صاحبان ۵۹ بنگاه به صورت اجاره‌ای فعالیت می‌کنند. از نظر وضعیت بیمه ۳۵ بنگاه دارای بیمه و ۱۰۷ بنگاه بدن بیمه فعالیت دارند. به منظور سنجش موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی موجود در (محلات اسلام آباد و حسین آباد)، از مدل‌های وزن دهی تصمیم‌گیری چند شاخصه آنتروپی شانون و saw استفاده گردید. ماتریس تصمیم‌متشکل از گزینه‌ها (سطرها) و معیارها (ستون‌ها) می‌باشد. گزینه‌ها، محلات و معیارها، ۵ معیاری هستند که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد. جدول (۲) ماتریس اولیه اطلاعات تصمیم‌گیری حاصل از پرسشنامه را نشان می‌دهد. که در آن به ترتیب در محله اسلام آباد موانع مهارتی - آموزشی با ۲/۴، موانع زیر ساختی ۲/۵۸ و موانع سیاسی با میانگین ۲/۷۱ به ترتیب کمترین میانگین و موانع قانونی با میانگین ۲/۷۸ و موانع مالی با میانگین ۳/۵۳ بیشترین میانگین را در بین موانع توسعه بنگاه‌های اسلام آباد به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر در محله حسین آباد موانع سیاسی با میانگین ۲/۳۸، موانع مهارتی و آموزشی ۲/۴۲ و موانع زیرساختی ۲/۵۱ به ترتیب کمترین میانگین و موانع قانونی با ۲/۸۱ و موانع مالی ۳/۳۹ به ترتیب بیشترین میانگین را در بین موانع کسب کرده‌اند.

جدول (۲). ماتریس داده‌های خام (ماتریس تصمیم‌گیری)

شاخص	موانع قانونی	موانع سیاسی	موانع زیرساختی	موانع مهارتی - آموزشی - امنیت	موانع مالی
اسلام آباد	۲/۷۸	۲/۷۱	۲/۵۸	۲/۴	۳/۵۳
حسین آبادی	۲/۸۱	۳/۸۲	۲/۵۱	۲/۴۲	۳/۳۹
sum	۵/۵۹	۵/۰۹	۵/۰۹	۴/۸۲	۶/۹۲

پس از تشکیل ماتریس داده‌ها به منظور یکسان کردن مقیاس داده‌ها یا به عبارتی بی‌مقیاس کردن^۱ اقدام به نرمالسازی داده‌ها از رابطه (۲) گردید و بدین ترتیب "ماتریس نرمال شده شاخصها" طبق جدول (۳) را نشان می‌دهد (اصغریور، ۱۳۹۲: ۱۰۲)، که طبق آن در محله اسلام آباد موانع قانونی با وزن ۰/۴۹۷، موانع مهارتی و آموزشی ۰/۴۹۸ و موانع زیر ساختی با وزن ۰/۵۰۷ به ترتیب دارای کمترین وزن و موانع سیاسی با ۰/۵۳۲ و موانع مالی با ۰/۵۱۰ دارای بیشترین وزن در بین پنج مولفه موانع توسعه بنگاه‌های اسلام آباد هستند. از طرفی در محله حسین آباد موانع سیاسی با وزن ۰/۴۶۸، موانع مالی ۰/۴۹۰ و موانع زیرساختی ۰/۴۹۳ به ترتیب دارای کمترین وزن هستند و موانع مهارتی - آموزشی با وزن ۰/۵۰۲ و موانع قانونی ۰/۵۰۳ بیشترین وزن را در بین پنج مولفه موانع توسعه بنگاه‌های حسین آباد بدست آورده‌اند.

جدول (۳). ماتریس نرمال شده

موانع مالی	موانع مهارتی - آموزشی	موانع زیرساختی	موانع سیاسی	موانع قانونی	$\frac{x_i}{\sum x_i}$
۰/۵۱۰	۰/۴۹۸	۰/۵۰۷	۰/۵۳۲	۰/۴۹۷	اسلام آباد
۰/۴۹۰	۰/۵۰۲	۰/۴۹۳	۰/۴۶۸	۰/۵۰۳	حسین آباد

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

برآورد آنتروپی شاخصها (Ej)، درجه انحراف (dj) و اهمیت شاخصها نسبت به هم (Wj)

همان طور که در روش شناسی پژوهش نیز اشاره شد به منظور تعیین وزن و اهمیت شاخصهای منتخب با استفاده از نظرات پاسخگویان از ضریب آنتروپی استفاده گردید. در نهایت وزن نهایی به دست آمده برای شاخص‌ها، در داده‌ها (گویه‌ها) به دست آمده از پرسشنامه‌ی پاسخگویان ضرب شد، تا نتایج به دست آمده واقعی‌تر و دقیق‌تر شوند (اصغریور، ۱۳۹۲: ۱۰۲). جدول (۴) وزن اختصاص یافته به هر یک از شاخص‌های منتخب محاسبه و ارائه شده است. طبق جدول (۴)، همانطور که از نتایج پیداست عامل نخست که بیشترین وزن را در بین موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی به خود اختصاص داده است، موانع سیاسی (وزن ۰/۲۴۶) می‌باشند با توجه به این که بنگاه‌ها نقش برجسته‌ای در ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی کشور دارند صادرات کالا به داخل و خارج از کشور می‌تواند باعث رونق اقتصادی و حفظ ثبات اقتصادی کشور شود به عبارت دیگر صادرات به دلیل داشتن تراز تجاری مثبت به دلیل کاهش وابستگی از مولفه‌های قدرت اقتصادی کشور محسوب می‌شود اما در این زمینه وجود مشکلاتی مانند: قوانین دست و پاگیر گمرکی، صادراتی و مالیاتی کشور، نبود ثبات در بازار ارز و قوانین، تحریم‌های بانکی، بخشنامه‌های بازرگانی خارجی کشور و ... باعث گردیده که شهر زابل با وجود هم‌مرز بودن با کشور افغانستان و وجود ظرفیت بالا برای صادرات به کشور همسایه نتواند از مزیت مرز بهره کافی را ببرد ضعف بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط در صادرات و حضور کم‌رنگ آنها در بازارهای بین‌المللی به دلیل عدم وجود متولی واحد در زمینه سیاستگذاری و اجرایی در حوزه تجارت و نیز توسعه بنگاه‌های اقتصادی کشور است. با توجه به نتایج تحقیق، دومین مؤلفه از موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی مانع مالی (وزن ۰/۲۰۰) می‌باشد. مشکلات مالی فراوانی پیش روی بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد از جمله: نوسان در قیمت مواد اولیه و بالا بودن نرخ تورم در کشور باعث کاهش نقدینگی بنگاه‌ها شده است و این امر به نوعی باعث کاهش انگیزه صاحبان این بنگاه‌ها برای ادامه فعالیتشان شده است در حال حاضر صاحبان این بنگاه‌ها برای تامین مواد اولیه بنگاه خود هر روز با قیمت جدید مواجه می‌شوند که این امر بیانگر این واقعیت است که نوسانات قیمت همچنان به قوت خود باقی است این نوسانات و همچنین عدم وجود مواد اولیه برای برخی خطوط تولید در بازار بر شدت این مشکل می‌افزاید، از سوی دیگر خریده‌ها صدرصد نقدی و حتی پیش پرداختی شده است این موضوع سبب شده صاحبان بنگاه‌ها تا روز تحویل مواد اولیه مورد نیاز خود، از قیمت قطعی کالای خریداری شده بی‌خبر باشند و پس از تحویل کالا حسابشان را تسویه کنند. اما در حال حاضر نه تنها قیمت مواد اولیه افزایش چشمگیری داشته، بلکه تا زمان تحویل، قیمت کالاها در نوسان است. از طرفی صاحبان برخی بنگاه‌ها به دلیل رکود اقتصادی فروش بسیاری از کالاهای خود را به

^۱ Incommensurable



صورت غیر نقدی و یا اقساطی انجام می دهند و پس از سه یا شش ماه مطالبات خود را از خریدار دریافت می کنند که این امر باعث کاهش نقدینگی بنگاه اقتصادی می شود. از طرفی، دیگر مشکلات مالی بنگاه ها (کمبود بازار تقاضا، استهلاک، اجاره بهای مکان، خرده فروشی محصولات و ...) باعث گردیده صاحبان این بنگاه ها درآمد پایینی کسب کنند که در برخی موارد حتی کفاف هزینه های نگهداری بنگاه را هم نمی دهد برخی صاحبان این بنگاه ها اظهار داشتند که صرفاً برای فرار از بیکاری و خانه نشینی و با وجود کسب درآمد اندک از این راه حاضر به تعطیلی بنگاه اقتصادی خود نیستند و از این طریق عواید روزانه خود را بدست می آورند. مجموع موانع مالی فوق روند رشد و توسعه بنگاه ها را با چالش مواجه کرده و به عنوان یکی از موانع توسعه بنگاه های اقتصادی مطرح می باشد. با توجه به نتایج تحقیق، سومین عامل از موانع توسعه بنگاه های اقتصادی در محلات اسلام آباد و حسین آباد، موانع مهارتی-آموزشی (وزن ۰/۱۸۹) امروزه در همه سازمان ها نیروی انسانی از سایر مؤلفه ها سازمانی دارای اهمیت بیشتری است تا حدی که برخی صاحبان بر این عقیده هستند که آنچه در نهایت روند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تعیین می کند منابع انسانی آن است نه سرمایه و یا منابع مادی آن کشور، زیرا این نیروی انسانی است که عامل بهره برداری از سرمایه است. بنا بر آمار تمام شماری بنگاه های اقتصادی توسط دفتر تسهیلات و توسعه محلی اسلام آباد و حسین آباد از مجموع شاغلین در بنگاه های دو محله ۵۸ نفر بی سواد و ۱۳۶ نفر دارای تحصیلات ابتدایی هستند. تحصیلات پایین نیروی کار و همچنین عدم مهارت آنها بر روی راندمان بنگاه های اقتصادی تاثیر منفی گذاشته و از سویی پیشرفت شغلی و فردی هر شخص در گرو آگاهی وی در انجام مسئولیت های شغلیش است عدم مهارت فرد سبب تقلیل کارایی آن می شود. از طرفی مشاوره بازاریابی می تواند تاثیر بسزایی در موفقیت کسب و کارها داشته باشد دریافت مشاوره بازاریابی می تواند به شکل مناسبی به فعالیت های پیوسته و پروژه ای بازاریابی شکل دهد و باعث ایجاد زیر ساخت مناسب جهت بازاریابی و فروش محصولات بنگاه ها شود اما یکی از دلایل عدم تمایل صاحبان بنگاه ها به دریافت مشاوره بازاریابی این است که معمولاً مشاوران بازاریابی دستمزد زیادی دریافت می کنند که پرداخت آن با توجه به شرایط اقتصادی بنگاه های محلات فوق برای صاحبان بنگاه ها مقرون به صرفه نیست و از طرفی تضمینی برای فروش محصول نمی دهند که این امر باعث عدم رغبت صاحبان بنگاه ها به دریافت مشاوره بازاریابی شده است. از طرفی ضعف در دانش اقتصادی، مالی و مدیریتی معمولاً باعث ضعف در رقابت پذیری یک بنگاه می شود بنگاه اقتصادی باید حتماً در سطح انتخاب و تصمیم گیری خود نسبت به ابزارها و نحوه اجرای کسب و کار خود، از دانش عمیق برخوردار باشند عدم تسلط مدیران تصمیم گیرنده بنگاه های اقتصادی به راهکارهای مدرن مدیریتی و مالی و نیز ضعف در دانش اقتصادی باعث کاهش سطح رقابت پذیری بنگاه های محلات فوق شده و به عنوان دیگر موانع توسعه بنگاه های اقتصادی مطرح می باشد. پس از سه عامل اشاره شده در بالا، عامل چهارم از موانع توسعه بنگاه های اقتصادی محلات اسلام آباد و حسین آباد، موانع قانونی با (وزن ۰/۱۸۸) می باشد عدم ثبات لازم در مقررات، ضوابط و سیاست های ارزی و تجاری کشور باعث شده ارزش پول ملی به شدت کاهش یابد. حجم نقدینگی به دلیل سیاست های اقتصادی دولت، کمتر بازارهای واقعی را به تحرک وادارد. عدم هماهنگی بین سیاست های پولی، بازرگانی (ارزی) و مالی دولت (بودجه ای) عامل اصلی رکود اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی و بی ثباتی اقتصاد کلان شود در چنین شرایطی عدم حمایت به موقع دولت از بنگاه های اقتصادی در جهت پرداخت تسهیلات بانکی و وجود موانع اداری و قانونی سخت جهت پرداخت تسهیلات به صاحبان بنگاه ها (ضامن های مورد پذیرش بانک شرایط خاص و ویژه ای دارند مثلاً معرفی ضامن کارمند، بررسی و ارزیابی کارایی و بازدهی بنگاه، پروسه طولانی واریز وام به حساب مشتری و ناطمینانی نرخ سود تسهیلات بانکی) تاثیر بسزایی در عدم رغبت صاحبان بنگاه ها در دریافت وام دارد بنا به گفته صاحبان بنگاه ها در شرایط سخت اقتصادی تزریق منابع مالی دولت به بنگاه های کوچک و متوسط به خروج کشور از رکود و رونق اقتصادی منجر خواهد شد اما شرایط سخت قانونی و اداری برای دریافت تسهیلات و همچنین عدم وحدت رویه میان بانک ها باعث می شود که افرادی که نیاز شدید به دریافت این تسهیلات دارند در سردرگمی و بلاتکلیفی قرار گیرند و گرفتار پیچ و خم های قانونی و اداری شده و در پایان از دریافت وام منصرف شوند. عامل پنجم از موانع توسعه بنگاه های اقتصادی محلات اسلام آباد و حسین آباد، موانع زیرساختی با (وزن ۰/۱۸۷) بنا به گفته صاحبان بنگاه ها پوشش ضعیف آنتن دهی تلفن همراه همچنین فقدان پهنای باند مناسب برای اینترنت به عنوان یکی از موانع توسعه بنگاه ها می باشد با توجه به این موضوع که از قابلیت های تلفن همراه و اتصال به شبکه اینترنت می توان برای کار سریع تر و هوشمند استفاده کرد. به نظر می رسد که کسب و

کار مبتنی بر فناوری نوین یک زیر ساخت مطمئن را فراهم می‌کند تا هر یک از مصرف کنندگان و صاحبان کسب و کار سریع‌تر و ساده‌تر با این فناوری تطبیق پیدا کنند، همچنین با کاهش هزینه سرمایه گذاری اولیه برای کسب و کارها و با ساده سازی و ابداع، می‌توان با همه افراد در مکان‌های جغرافیایی متفاوت ارتباط برقرار کرد و تبادل کالا و اطلاعات داشت. اما ضعف آنتن دهی تلفن همراه در محلات اسلام آباد و حسین مشکلاتی را برای صاحبان بنگاه‌ها در زمینه‌های استفاده از فناوری‌های نوین فراهم آورده است از طرفی قرار گرفتن در مکان نامناسب (پیراشهر) باعث شده این مشکلات مضاعف شوند عدم دسترسی به جاده مناسب و آسفالت باعث شده که این بنگاه‌ها هزینه‌های گزافی را برای حمل نقل کالا به داخل یا خارج از بنگاه خود پرداخت نمایند عموماً صاحبان وسائط نقلیه به دلیل وجود جاده ارتباطی نامناسب و فاصله از مرکز شهر، برای حمل و نقل کالا به این مناطق میل و رغبتی از خود نشان نمی‌دهند مگر با پرداخت هزینه بیشتر برای حمل و نقل کالا.

جدول ۴. برآورد آنتروپی شاخصها (Ej)، درجه انحراف (dj) و اهمیت شاخصها نسبت به هم (Wj)

[nij*Ln nij]	موانع قانونی	موانع سیاسی	موانع زیرساختی	موانع مهارتی - آموزشی	موانع مالی
اسلام آباد	-۰/۳۵	۰/۰۰	-۰/۳۴	-۰/۳۵	-۰/۳۴
حسین آبادی	-۰/۳۵	۰/۰۰	-۰/۳۵	-۰/۳۵	-۰/۳۵
$\sum[nij*Ln nij]$	-۰/۶۹۸	۰/۰۰۰	-۰/۶۹۰	-۰/۶۹۱	-۰/۶۹۲
$Ej*Ln \sum[nij*Ln nij]$	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۲۳۵	۰/۲۳۵	۰/۲۳۵
dj	۰/۷۶۲	۱/۰۰۰	۰/۷۶۵	۰/۷۶۳	۰/۷۶۴
Wj	۰/۱۸۸	۰/۲۴۶	۰/۱۸۷	۰/۱۸۹	۰/۲۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

طبقه بندی موانع توسعه محله‌های مورد مطالعه بر مبنای مدل (saw)

جهت تعیین موانع توسعه بنگاه‌های مورد مطالعه، داده‌های مندرج در پرسشنامه در قالب معیارها و زیر معیارهای مرتبط با هر یک از معیارها با استفاده از روش آنتروپی (جداول ۱ تا ۴) تعیین وزن شده و سپس با استفاده از رابطه $Si = \sum_{j=1}^n nij \times wj; \forall i$ در قالب روش saw رتبه بندی محلات مورد مطالعه بر مبنای زیرمعیارهای مورد مطالعه جدول (۵) انجام گرفت و در بین موانع توسعه در محله اسلام آباد موانع مالی با وزن (۰/۰۸۳۹۵)، موانع مهارتی و آموزشی با وزن (۰/۰۹۸۶۶) و موانع زیر ساختی با وزن (۰/۰۱۰۲۵۹) به ترتیب کمترین وزن‌ها و موانع قانونی با وزن (۰/۱۱۰۶۳) و موانع سیاسی با وزن (۰/۱۱۲۰۱) بیشترین وزن‌ها را بدست آورده‌اند. از طرفی در بین موانع توسعه بنگاه‌ها در محله حسین آباد موانع مالی با وزن (۰/۰۸۰۲۷)، موانع سیاسی (۰/۰۹۸۳۷)، موانع مهارتی و آموزشی (۰/۰۹۹۴۸) به ترتیب کمترین وزن و موانع زیر ساختی با وزن (۰/۰۹۹۸۰) و موانع قانونی با وزن (۰/۱۱۱۸۲) بیشترین وزن‌ها را در بین موانع توسعه بنگاه‌های اقتصادی کسب کرده‌اند. با توجه به نتایج بدست آمده از جدول شماره (۵) محله اسلام آباد با نمره نهایی ۰/۵۰۷ بیشترین و حسین آباد با ۰/۴۹۰ کمترین میزان موانع توسعه را دارا می‌باشند. با توجه به پیمایش میدانی و گفتگو با کارشناس اقتصادی دفتر تسهیلگری و توسعه محلی اسلام آباد و حسین آباد شهر زابل مشخص گردید که بیشتر بنگاه‌های محله اسلام آباد تولیدی (۴۶ دامداری) هستند که کمک شایانی در تامین گوشت و نیز فرآورده‌های لبنی شهر زابل و نیز شهرهای اطراف می‌کنند. مقداری از شیر و فرآورده‌های لبنی حاصل از این بنگاه‌ها (دوغ، کشک، سر شیر و کره حیوانی و ...) صبح‌ها توسط صاحبان مغازهای فروش محصولات لبنی سطح شهر خریداری می‌شود و مقداری هم به تعاونی خرید شیر در سطح شهر تحویل داده می‌شود از طرفی به دلیل استقرار تعداد زیاد دامداری در این محله، مشاغل جانبی مرتبط با آن مانند بنگاه‌های خدماتی فروش (کاه، علوفه ذرت یا یونجه)، در این محله مستقر هستند که باعث دسترسی سریع و آسان دامداران این محله به این بنگاه‌ها شده است. علاوه بر دامداران محله اسلام آباد، دامداران روستاهای اطراف و نیز روستاهای دوردست نیز برای تهیه علوفه به این محله مراجعه می‌کنند می‌توان گفت که یکی از دلایل رونق اقتصادی بنگاه‌های محله اسلام آباد نسبت به محله حسین آباد همین مسئله می‌باشد.



جدول ۵. رتبه بندی محلات مورد مطالعه بر مبنای شاخص های مورد مطالعه

Rank	sum	موانع مالی	موانع مهارتی-آموزشی	موانع زیرساختی	موانع سیاسی	موانع قانونی	$S_i = \sum n_{ij} * W_j$
۱	-/۵۰۷	-/۰۸۳۵۹	-/۰۹۸۶۶	۰/۱۰۲۵۹	-/۱۱۲۰۱	۰/۱۱۰۶۳	اسلام آباد
۲	-/۴۹۰	-/۰۸۰۲۷	-/۰۹۹۴۸	۰/۰۹۹۸۰	-/۰۹۸۳۷	۰/۱۱۱۸۲	حسین آباد

منبع: یافته های تحقیق، ۱۴۰۰

نتیجه گیری

امروزه تردیدی در نقش و اهمیت صنایع کوچک و متوسط برای رشد و توسعه اقتصادی کشورها وجود ندارد و کشورهای صنعتی و در حال توسعه با سیاست گذاری و برنامه ریزی لازم درصدد ساماندهی، رفع موانع و مشکلات، بهبود فضای کسب و کار و فراهم ساختن زمینه لازم به منظور بهره گیری هرچه بیشتر از این صنایع در راستای توسعه کارآفرینی و حل معضل بیکاری هستند. با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، این تحقیق با هدف بررسی موانع توسعه بنگاه های اقتصادی محلات اسلام آباد و حسین آباد انجام گرفت. با توجه به یافته های این تحقیق می توان به پرسش اساسی این تحقیق که چه عواملی از توسعه بنگاه های اقتصادی در محلات پیراشهری زابل (اسلام آباد و حسین آباد) ممانعت کرده و آنان را به رکود کشانده است پاسخ داد و گفت که بنگاه های محلات فوق با موانع متعددی در ابعاد مختلف برای توسعه خود مواجه بودند که مهمترین این موانع شامل پنج دسته موانع مالی، مهارتی-آموزشی، زیرساختی، سیاسی، قانونی بودند. در بین پنج مانع اشاره شده، از دیدگاه صاحبان بنگاه های مورد مطالعه موانع سیاسی با وزن (۰/۲۴۶) دارای بیشترین اهمیت بود. یافته های این بخش از تحقیق با نتایج مطالعات رضائی و صفا (۱۳۹۴) همسو است چون در تحقیق آنها موانع سیاسی به عنوان اولین مانع مطرح شد. دومین موانع توسعه بنگاه های اقتصادی مانع مالی (وزن ۰/۲۰۰) می باشد این بخش از نتایج مقاله با پژوهش رضایی و پاکروان (۱۳۹۶)، همسو است چون در مطالعه آنها موانع بازار در اولویت پاسخ قرار دارد. سومین عامل از موانع توسعه بنگاه های اقتصادی در محلات اسلام آباد و حسین آباد، موانع مهارتی-آموزشی (وزن ۰/۱۸۹) است. عامل چهارم از موانع توسعه بنگاه های اقتصادی، موانع قانونی با (وزن ۰/۱۸۸) است نتایج این بخش با مطالعه سامیتووسکا (۲۰۱۱)، همسویی دارد، این مقاله مهمترین مانع برای مدیریت یک کسب و کار را عدم حمایت کافی دولت و نیز قوانین در جهت حمایت از بنگاه ها می داند. مانع پنجم موانع زیرساختی با (وزن ۰/۱۸۷) دارای کمترین اهمیت می باشد. در ادامه روند کار دو محله بر مبنای شاخص های مورد مطالعه رتبه بندی شدند نتایج بدست آمده نشان داد که محله اسلام آباد با نمره نهایی ۰/۵۰۷ بیشترین و حسین آباد با ۰/۴۹۰ کمترین میزان موانع توسعه را دارا می باشند. براساس یافته های به دست آمده از پژوهش، پیشنهاد های زیر ارایه می گردد. با توجه به نتایج و قرار گرفتن عامل سیاسی در اولویت نخست، پیشنهاد میشود دولت به عنوان مداخله گر اصلی از طریق اصلاح و تقویت سیاست های خود به ویژه در حوزه قوانین صادراتی و مالیاتی کشور، ثبات در بازار ارز کشور و اصلاح بخشنامه های بازرگانی خارجی کشور شرایط مساعدتری را برای توسعه بنگاه ها فراهم سازد. با توجه به نتایج تحقیق و قرار گرفتن مانع مالی در اولویت دوم، پرداخت تسهیلات با نرخ سود پایین از طرف بانک ها تا حد زیادی می تواند در رونق اقتصادی بنگاه ها موثر باشد. دولت می تواند با سیاست گذاری های اقتصادی و ابزارهای کنترلی در بازار از ورود قاچاق کالا به طور کامل بکاهد تا صنایع داخلی برای تولید و ارتقای کیفیت محصولات خود و نیز صادرات محصولات خود انگیزه های مناسب را داشته باشند. تلاش در راستای ایجاد صندوق های سرمایه گذاری برای حمایت از شاخه های مختلف صنایع کوچک و متوسط می تواند زمینه های ورود به بازارهای داخلی و بین المللی این صنایع را فراهم آورد.

با توجه به نتایج تحقیق و قرار گرفتن موانع مهارتی-آموزشی در اولویت سوم پیشنهاد می شود با توجه به این که در دنیا افزایش مهارت ها در دستور کار بنگاه های اقتصادی قرار گرفته است و کشورها به دنبال رشد اقتصادی از این مسیر هستند. از این رو برگزاری دوره های آموزشی که نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات را در کسب و کارها به شکل ها و فعالان اقتصادی آموزش دهد، می تواند تاثیر بسزایی بر فعالیت سنتی بنگاه های اقتصادی بگذارد و شرایط گذر از کسب و کارهای سنتی را فراهم کند.

با در نظر گرفتن نتایج تحقیق و اهمیت موانع قانونی، پیشنهاد می‌شود دولت مشوق‌های مالیاتی و تسهیل صدور مجوزها در جهت کاهش هزینه‌های بنگاه‌ها را که می‌تواند موجب تسریع در افزایش فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط گردد را در دستور کار خود قرار دهد.

با در نظر گرفتن نتایج تحقیق و اهمیت موانع زیرساختی، پیشنهاد می‌شود با توجه به موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب شهر زابل همجواری با کشور افغانستان، بهبود شبکه حمل و نقل علاوه بر بهبود وضعیت ترانزیت داخلی، می‌تواند زمینه افزایش ترانزیت خارجی را افزایش دهد. با توجه به پوشش ضعیف آنتن دهی تلفن همراه همچنین فقدان پهنای باند مناسب برای اینترنت تقویت دو عامل فوق می‌تواند زمینه را برای رونق کسب و کار از طریق خرید و فروش کالاها و را بصورت اینترنتی فراهم آورد.

با توجه به نتایج تحقیق موانع قانونی در اولویت سوم می‌باشد اعمال مشوق‌های مالیاتی و تسهیل صدور مجوزها در جهت کاهش هزینه‌های بنگاه‌ها از دیگر مواردی است که می‌تواند موجب تسریع در افزایش فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط گردد. بر اساس ماده ۹۲ قانون برنامه پنجم توسعه نرخ سود تسهیلات متناسب با نرخ سود سپرده‌ها و سود مورد انتظار بانکها توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. بانکها در صورتی ملزم به پرداخت تسهیلات در قالب عقود مبادله‌ای با نرخ کمتر از نرخ اعلام شده توسط شورای پول و اعتبار می‌باشند که علاوه بر تأیید معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، مابه‌التفاوت سود از طریق یارانه یا وجوه اداره شده توسط دولت تأمین گردد.



منابع

- اصغریپور، محمد جواد (۱۳۹۲)، *تصمیم گیری چند معیاره*، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- امین بیدختی، علی اکبر، زرگر، سید مجتبی (۱۳۹۰)، بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه های کوچک و متوسط (SMEs) و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه ها، *مجله اقتصاد، کار و جامعه*، شماره ۱۳۸، صص ۳۴-۴۸.
- آزاد، عباس. علیشائی، هانیه (۱۳۹۴)، «نقش بنگاه های کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی». کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری بابل.
- بهرامی، رحمت الله (۱۳۹۸)، اثرات اقتصادی- اجتماعی صنایع روستایی (صنایع دستی و مشاغل خانگی) بر توسعه روستایی مورد: روستاهای شهرستان سمنجان، *نشریه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی*، سال ۲۴، شماره ۷۲، صص ۱۰۳-۸۱.
- ادراکی، محمد رضا (۱۳۸۶)، بانک توسعه بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط ایران، *مجله رشد فناوری*، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۳۳-۲۶.
- پارساپور، سارا؛ براتی، جواد؛ رسول زاده، مریم (۱۳۹۶)، عوامل اثر گذار بر پایداری بنگاه های کوچک و کار آفرین مورد مطالعه: بنگاه های صنعتی شهرستان مشهد، *مجله توسعه کارآفرینی*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۴۱-۶۰.
- جهانگیری، محمد؛ عشقی عراقی، مهتاب؛ آذرلو، میترا؛ هنرپور، علی اصغر؛ واثق؛ احمد رضا (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر نوآوری، آموزش و مهارت و کارآفرینی در بنگاه های تولیدی و اقتصادی کوچک و متوسط مورد مطالعه: شهرستان اراک، *نشریه مهارت آموزی*، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۹۳-۱۰۵.
- داداش پور، هاشم؛ سخندان، نوشین (۱۳۹۵)، ارزیابی تاثیر ساختار شبکه ای صنعتی بر ارتقاء ظرفیت های یادگیری در مناطق صنعتی، *نشریه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی*، شماره ۶۹، صص ۸۶-۶۵.
- رضایی، جلال؛ پاکروان، بایرام (۱۳۹۶)، «شناسایی و اولویت بندی موانع موجود در توسعه بنگاه های کوچک و متوسط»، *سومین کنفرانس بین المللی مدیریت و مهندسی صنایع*، تهران.
- رضائی، روح اله؛ صفا، لیلیا (۱۳۹۴)، بررسی موانع توسعه بنگاه های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین کشاورزی در استان زنجان، *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۲-۴۷، شماره ۱، صص ۶۷-۷۹.
- شهرستانی، فاطمه (۱۳۹۷)، «بررسی و رتبه بندی موانع توسعه بنگاه های کوچک و متوسط دانش محور SME». *دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری و حسابرس پویا*، تهران، ایران.
- کیان پور، سعید؛ تولایی، رویا (۱۳۹۲)، بررسی نقش بنگاه های کوچک و متوسط مقیاس در توسعه فعالیت های اقتصادی کشور مالزی، *رشد فناوری، فصلنامه تخصصی پارک ها و مراکز رشد*، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۳۷-۲۵.
- ملاشاهی، غلامعباس؛ ظریفیان، شاپور؛ پیش بهار، اسماعیل (۱۳۹۳)، تعیین میزان موفقیت بنگاه های اقتصادی زود بازده بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل، *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۲۳، شماره ۹۱، صص ۷۳-۴۹.
- مرادی، کیومرث؛ نیلی پور طباطبایی، سید اکبر (۱۳۹۴)، بررسی نقش بنگاه های کوچک و متوسط در توسعه فعالیت های اقتصادی کشور، *شرکت علمی پژوهشی و مشاوره ای آینده ساز- استان مازندران*، ساری، صص ۱۹-۱.
- مهدیان، ارزو؛ محرابیان، آزاده؛ سیفی پور، رویا (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط بین اندازه بنگاه های صنعتی و رشد اقتصادی ایران، *مجله فصلنامه اقتصاد کاربردی*، سال ششم، صص ۳۵-۲۴.
- Hernita, H. Surya, B. Perwira, I. Abubakar, H. Idris, M., (2021), **Economic Business Sustainability and Strengthening Human Resource Capacity Based on Increasing the Productivity of Small and Medium Enterprises (SMEs) in Makassar City, Indonesia**, Sustainability, pp 37-2.
- Haryati, R., Yasri, Y., Aimon, H., Darwin, Muhammad., (2021), **development of small, micro enterprises based (smes) on innovation and environmental sustainable development in west sumatera**, international journal of entrepreneurship; arden vol. 25, iss. 4, pp 1-13.
- Levy M., Powell P. and Worrall L., (1987), **Strategic Intent and E-Business in SMEs: Enablers and Inhibitors**, Information Resources Management Journal, 18 (5), pp.1-20.

- Porter, M., (1985), **The Competitive Advantage: Creating and Sustaining Superior Performance**, Publications Harvard Business School.
- Saberi, M. Hamdan, A., (2019), **relationship between entrepreneurship and economic growth: A study on the GCC countries**, Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies, Volume 11 Issue 2.
- Surya, B. Menne, F. Sabhan, H. Suriani, S. Abubakar, H. Idris, M., (2021), **Economic Growth, Increasing Productivity of SMEs, and Open Innovation**, Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity, pp 37-2.
- Teoh, W. M. Y. & Chong, S. C., **Improving women entrepreneurs in small and medium enterprises in Malaysia: policy recommendations**. Communication of the IBIMA, (2008), 2, 31-38.
- Tambunan, T (2009), **Women entrepreneurship in Asian developing countries: Their development and main constraints**, Journal of Development and Agricultural Economics 1(2), pp27-4.
- Wu, L. Xu, L., (2020), **The role of venture capital in SME loans in China**, **Research in International Business and Finance**.